

نئولیبرالیسم تا چه زمانی می‌تواند در برابر بحران آب و هوا مقاومت کند؟

بخش نخست

ژولیوس الکساندر مکی و پاتریک ترنت گراینر

مجله مانتهی ریویو، آوریل ۲۰۲۰

برگردان: ستاره نوید

توضیح تحریریه:

مکی استادیار جامعه‌شناسی در دانشگاه دولتی پورتلند، و گراینر استادیار جامعه‌شناسی در دانشگاه وندربیل هستند. این دو پژوهشگر در مقاله‌ای به بررسی تضاد میان سیاست‌های نئولیبرالیستی و حل مشکل بحران آب و هوا پرداخته‌اند. آنها دو نمونه از شکست سیاست‌های نئولیبرالیستی، یکی در کشور شیلی و دیگری در ایالت کالیفرنیا در آمریکا را، با تمرکز بر سیاست‌های خصوصی‌سازی انرژی برق، بررسی نموده‌اند. در این شماره بخش اول مقاله درباره شیلی، و بخش مربوط به کالیفرنیا را در شماره آینده مجله خواهید خواند.

امروزه، ثابت شده است که بحران آب و هوا و تغییر اقلیم با سیستم‌های نئولیبرالی، که اشکال کنونی سازمان اجتماعی را تعریف می‌کنند، ناسازگار است، زیرا سیستم‌های نئولیبرال بر پایه استفاده و فروش سوخت‌های فسیلی بنا شده‌اند. از آنجا که مصرف سوخت‌های فسیلی بزرگ‌ترین عامل ایجاد تغییر اقلیم هستند، برای کاهش مصرف این سوخت‌ها به یک تلاش مشترک بین‌المللی نیاز داریم. با این حال، ضروری است که به نقش بنیادین سوخت‌های فسیلی در اقتصادهای مدرن نیز توجه کنیم. به عنوان مثال باید اعتراف کنیم که بخش عمده‌ای از وضعیت معاش مردم به سوخت‌های فسیلی پیوند خورده است. اگرچه مطالعات اخیر نشان داده است که این پیوستگی، محصول تصادفی

تکامل تاریخی بشر نمی باشد، بلکه یک سیاست عمدی این پیوستگی را شکل داده است. چنانکه هم اکنون نیز سوخت های فسیلی به عنوان ابزاری برای دستیابی به سلطه اجتماعی مورد استفاده قرار می گیرند. ابزاری که با استفاده از آن از تولیدکنندگان^۲ و همچنین بازتولیدکنندگان^۳ سلب مالکیت می شود. گفتنی است که واژه تولیدکننده به نیروی کار اصلی (کارگر) اشاره دارد و واژه بازتولید کننده بر افرادی دلالت دارد که به مراقبت، تجدید قوا و تهیه خوراک تولیدکنندگان می پردازند.

منابع تجدیدپذیر انرژی که جایگزینی مطلوب و مناسب زیست برای سوخت های فسیلی هستند، در حال حاضر برای افرادی که به واسطه فروش سوخت های فسیلی به سلطه اجتماعی دست می یابند یک تهدید جدی به شمار می روند. چرا که، این منابع تجدیدپذیر از ویژگی هایی که سوخت های فسیلی را این چنین خوشایند و خواستنی کرده اند، برخوردار نیستند. زیرا آنها برخلاف سوخت های فسیلی حاصل استثمار نیروی کار انسانی نیستند. سوخت های فسیلی را می توان به شکل انحصاری و متمرکز در مراکز خاص ذخیره کرد، این امر به شرکت ها اجازه می دهد تا بر اساس الگوهای توزیع مرسوم، در فرآیند استخراج، تولید و مصرف انرژی کسب سود کنند. در حالی که، منابع تجدیدپذیر انرژی چنین امکانی را فراهم نمی کنند.

بلایای آب و هوایی مانند آتش سوزی جنگل ها و تندبادها، زیرساخت های اقتصاد مبتنی بر سوخت های فسیلی را مختل می کند. در نتیجه این امر، سازوکارهای انباشت سرمایه که از تولید و مصرف این سوخت ها ناشی شده اند نیز بی ثبات خواهند شد. به اوج رسیدن



صحنه‌ای از اعتراضات مردم شبلی به افزایش بهای سوخت

مشکلات ناشی از بلایای طبیعی در شیلی و کالیفرنیا مهر تأییدی بر این مدعا است. با در نظر گرفتن اعتراضات اخیر در شیلی و خاموشی‌های پی‌در پی در تمام نواحی ایالت کالیفرنیا، خوب است که به ارتباط روزافزون و آشکار میان نئولیبرالیسم و بحران آب و هوا بیا ناندیشیم.

به عنوان مثال، اخیراً حکومت نئولیبرال حاکم در شیلی به دلیل افزایش استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر، اقدام به افزایش ۹/۲ درصدی نرخ برق برای بیش از هفت میلیون خانوار و بالا بردن کرایه حمل و نقل عمومی به میزان ۳/۷۵ درصد، کرده است. این اقدام دولت، اعتراض مردم شیلی را برانگیخته است، چراکه همگان بر این باور هستند که چنین سیاستی، به گسترش نابرابری‌های اجتماعی دامن خواهد زد.

در کالیفرنیا نیز وضعیت تقریباً مشابهی مشاهده می‌شود. عامل اصلی آتش‌سوزی‌های پی‌در پی در این ایالت، فرسودگی خطوط انتقال شرکت‌های خصوصی توزیع برق و گاز می‌باشد. از این رو، این شرکت‌ها سیاست قطع برق مشترکین را در پیش گرفته‌اند تا از آتش‌سوزی‌های احتمالی آینده جلوگیری کنند.

این خاموشی‌ها زندگی حدود سه میلیون نفر را در ماه‌های پایانی سال ۲۰۱۹ تحت تأثیر قرار داده است و بسیاری از اهالی کالیفرنیا را بر آن داشته تا خواستار انتقال مالکیت شرکت‌های خصوصی توزیع برق و گاز به بخش دولتی باشند.^۴

ریشه این بحران‌ها به کودتای ۱۹۷۳ شیلی بازمی‌گردد. این کودتا که با حمایت آمریکا صورت پذیرفت، به برکناری رهبر سوسیالیست منتخب مردم، سالوادور آلنده، و جایگزینی او با دولتی نظامی منجر شد. دولت نظامی تازه تأسیس، بستر مناسبی را برای اجرای سیاست‌های نئولیبرالی به شکل آزمایشی، بر روی بازارهای مصرف برق فراهم نمود که نتایج سوء آن در شیلی، کالیفرنیا و سراسر جهان هم‌اکنون قابل مشاهده است. حتی می‌توان



گامی فراتر نهاد و مدعی شد که بحران‌های انرژی (برق) نیز که امروزه در جهان می‌بینیم از نتایج این سیاست‌ها هستند. به دیگر سخن، این میراث نئولیبرالیسم است که به توسعه سیستم «تجارت عمده فروشی»^۶ انرژی منجر شده است. سیستمی که هم‌اکنون کالیفرنیا و

شیلی را دستخوش مصیبت کرده است. اما این پایان ماجرا نیست، زیرا شرکت‌های خصوصی و مردان سیاست همچنان به رویکردهای ناکارآمد پیشین پای بند بوده و در نظر دارند تا برای مدیریت تغییرات آب و هوایی نیز از همان الگوهای مذکور استفاده کنند. این امر



معضلات اجتماعی ناشی از راه‌اندازی این سیستم پیچیده را وخیم‌تر خواهد کرد. تجارت عمده‌فروشی انرژی، تحت عنوان یک سیاست آزمایشی در دهه ۸۰ میلادی، در شیلی آغاز شد. پیش از کودتا، دستگاه حکومتی که رهبری آن را آینده به عهده داشت، صنعت مس و تمام شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات آب، برق و گاز را به عنوان بخشی از تلاشی سازمان‌یافته برای انتقال حکومت وقت به حکومتی سوسیالیستی، ملی کرد. پس از کودتا، دیکتاتوری نظامی تازه تأسیس به سرپرستی آگوستو پینوشه^۷ خصوصی‌سازی بازارهای اخیراً ملی شده را از سر گرفت. این امر به شرکت نفت و گاز آمریکایی، اکسان‌موبیل، این امکان را داد تا معادن مس را از دولت خریداری کند.^۸ دولت نظامی از سرگرفتن خصوصی‌سازی را با راهنمایی مستقیم اقتصاددان‌های پیرو مکتب اقتصادی شیکاگو انجام داد؛ امری که در بسیاری از سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی شیلی در طول هفده سال دیکتاتوری وحشیانه پینوشه ادامه یافت. این توافق دوجانبه، سرانجام باعث شد که شیلی برای تجارت انرژی، سیستمی طراحی کند که به تولیدکنندگان برق اجازه می‌داد تا بر روی تقاضای برق، قمار کرده و بدین وسیله از تغییرات قیمت برق کسب سود کنند. سیستم اقتصادی تازه تأسیس، نهادی که معمولاً با عنوان بازار عمده‌فروشی انرژی از آن یاد می‌شود، به عنوان راهی برای کسب سود از طریق توزیع برق، بدون افزایش قیمت برای مصرف‌کنندگان، در نظر گرفته شده بود و در ابتدا به نظر می‌رسید که بتواند چنین کاری را انجام دهد. برای درک بهتر این موضوع، شاید بهتر باشد که به تعریف بازار خرده‌فروشی انرژی نیز نیم‌گاهی داشته باشیم. بازار خرده‌فروشی انرژی قسمتی از بازار انرژی است که اجازه می‌دهد افرادی در آن به عنوان واسطه عمل کرده و انرژی مورد نیاز مصرف‌کنندگان را خریداری کنند و در اختیار مصرف‌کنندگان خرد قرار دهند. این بازار، اختیار مشتریان را بیشتر کرده و به آنان اجازه می‌دهد تا مین‌کننده انرژی خود را انتخاب کنند. در ابتدا

چنین تصور می‌شد که این اقدام رضایت واسطه‌ها و همچنین مصرف‌کنندگان نهایی (مردم عادی) را جلب کند، اما در پایان دیدیم که چنین نشد.

پس از معرفی تجارت عمده‌فروشی انرژی در شیلی، این مدل به سرعت در سراسر جهان گسترش یافت. به گفته مدافعان عمده‌فروشی انرژی، مزیت این بازار در تفکیک سیستم تولید انرژی از سیستم توزیع بود. در آن زمان اعتقاد بر این بود که این تفکیک به نفع مردم خواهد بود، چرا که می‌توانست با ایجاد رقابت بین شرکت‌های ارائه‌دهنده انرژی، کارایی سیستم‌های توزیع انرژی را بهبود بخشد. اما برخلاف این شعار تبلیغاتی، نقصان و کاستی‌های عمده‌فروشی انرژی در شیلی، هم اکنون بر همگان روشن شده است. این سیاست در ابتدا این طور وانمود می‌کرد که همواره تلاش خواهد نمود تا بدون اینکه قیمت برق خانگی را افزایش دهد، انرژی‌های تجدیدپذیر را معرفی و ترویج کند. اما در نهایت دیدیم که چنین نشد و این یکی از نمایان‌ترین نقایص موجود در این سیاست است. جالب است که در ابتدا بازارهای عمده‌فروشی انرژی با این شعار بنا شدند که از افزایش قیمت جلوگیری خواهند کرد! به همین دلیل، مردم شیلی در پاسخ به این تنش و در اعتراض به افزایش قیمت برق و کرایه حمل و نقل عمومی به خیابان آمدند، چرا که این افزایش قیمت به گسترش سطح نابرابری اجتماعی در جامعه دامن زده است.^۹

تمام تولیدکنندگان انرژی در سراسر جهان معتقد هستند که کویر آتاکامای شیلی یکی از بزرگترین ذخایر انرژی خورشیدی است که در دسترس بشر می‌باشد. جواهری که ارزش آن ناشی از آب و هوای خشک و تابش سوزان آفتاب است. در روزهای نخستین سال ۲۰۱۹



شرکت تکنولوژی سولار پک^{۱۰} اسپانیا مزایده‌ای که می‌توانست ۱۲۳ مگاوات انرژی خورشیدی در شیلی تولید کند را از آن خود نمود. این شرکت، در حال حاضر نصب پانل‌های خورشیدی را در این منطقه آغاز نموده و خود را آماده می‌کند تا مقرون به صرفه‌ترین برق جهان را تولید کند^{۱۱}. این جهش عظیم در تولید انرژی تجدیدپذیر، مصرف این نوع انرژی را در میان خانوارهای شیلی افزایش خواهد داد و همچنین مترو سانتیاگو را به اولین مترو

جهان که بخش اعظم انرژی خود را از انرژی‌های تجدیدپذیر تامین می‌کند، تبدیل خواهد نمود^{۱۲}. از این رو دولت شیلی برای تامین هزینه‌های خود و ثابت نگه داشتن سود حاصله، بر آن شد که تا پایان سال ۲۰۲۱ قیمت برق خانگی را به میزان ۹/۲ درصد و همچنین کرایه مترو سانتیاگو که هم اکنون نیز یکی از گران‌ترین متروهای موجود در آمریکای لاتین است را به میزان ۳/۷۵ درصد افزایش دهد. دو تغییر مذکور، به شهادت همگان، به عنوان دلایل اصلی جوشش خشم و رنجش در میان مردم و در نتیجه آن اعتراضات گسترده در سراسر کشور برشمرده می‌شوند. شایان ذکر است که این اعتراضات تا حد زیادی موفق بودند. چرا که در اواخر ماه اکتبر، رئیس‌جمهور شیلی، سباستین پنی‌یه‌را^{۱۳}، برای تثبیت نرخ برق و کرایه مترو به منظور توقف روند افزایش قیمت انرژی و کرایه وسایل حمل و نقل عمومی دو لایحه امضا کرد تا بتواند ناآرامی‌ها را فرو نشاند^{۱۴}.

پس از معرفی منابع نوین انرژی‌های تجدیدپذیر و افزایش ارزش پزو (واحد پول کشور)، سودآوری تجارت عمده‌فروشی انرژی دچار نوسان شد. به همین دلیل، دولت تصمیم گرفت قیمت انرژی را افزایش دهد تا از سودبخشی این بازار در مقابل نوسانات محافظت کند. این همان شیوه معمول نئولیبرال‌ها است که بر طبق آن دولت شیره درآمد مردم را می‌مکد تا بتواند نرخ انباشت سرمایه را در خلال گذار از منابع تجدیدناپذیر به منابع تجدیدپذیر حفظ کند و یا حتی افزایش دهد.

امروزه شیلی در مسیری قرار دارد که می‌تواند تا سال ۲۰۵۰، هفتاد درصد انرژی خود را از منابع تجدیدپذیر تامین کند؛ امری که شایسته احترام و ستایش بسیار است. با این حال، از آنجایی که این کشور هنوز فاقد تعداد کافی از سیستم‌های ذخیره انرژی تجدیدپذیر است، بانک‌ها تمایلی به سرمایه‌گذاری بر روی انرژی‌های تجدیدپذیر ندارند. نگرانی‌هایی از این دست، پرسش‌هایی برای سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کند که از جمله آن می‌توان به این پرسش اشاره نمود که انرژی‌های تجدیدپذیر تا چه میزان می‌توانند با سوخت‌های فسیلی در مقیاس فروش عمده، رقابت کنند؟ از این رو، برای امن‌تر کردن



فرآیند تجارت عمده‌فروشی انرژی، دولت شیلی درصدد افزایش قیمت مصرفی انرژی فسیلی برآمد تا بتواند سرمایه‌گذاران را ترغیب کند که بر روی انرژی‌های تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری کنند.

با گذشت سال‌ها، ریاضت اقتصادی که به سیستم مترو شیلی تحمیل شد، موجب اعتراضات بی‌شماری شده است، زیرا دولت همچنان به استانداردهای بهره‌وری تعیین شده توسط اقتصاددان‌ها متکی است و نیازهای مردم را نادیده می‌گیرد. این سیستم همواره برای حفظ بهره‌وری اقتصادی خدمات خود را محدود به به محله‌های طبقه متوسط کرده است، در حالی که کارگران کم‌درآمد مجبور به استفاده از خدمات اتوبوس‌رانی خصوصی می‌شوند. اگرچه این سیاست در طی سال‌های اخیر تا حدودی تغییر کرده است، زیرا دولت شیلی تا حدی به دموکراسی روی آورده است (در دهه ۹۰، شبکه مترو و اتوبوس‌رانی خصوصی با یکدیگر ادغام شدند)، اما تصمیم نهایی همواره تأکید بر حفظ و یا افزایش بهره‌وری اقتصادی است، حتی اگر به قیمت رنج بردن مردم باشد.

پانوشتها

1. Andreas Malm, *Fossil Capital* (New York: Verso, 2016); Simon Pirani, *Burning Up* (Chicago: University of Chicago Press, 2018).
2. Productive labor
3. Reproductive labor
4. Alexander Sammon, "Could California Take Public Ownership of PG&E?," *Pacific Standard*, February 7, 2019.
5. Salvador Allende
6. بازار عمده‌فروشی انرژی (wholesale trade) سیستمی برای خرید و فروش انرژی است که به صورت عرضه و تقاضا و به منظور تعیین قیمت انرژی برپا می‌شود. در این ساختار جدید، برخلاف ساختار قدیم که تولید، توزیع و انتقال توسط ارگان واحدی مدیریت می‌شد، این سیستم‌ها به صورت مستقل عمل می‌کنند. در این میان بازار انرژی، به عنوان واسطی بین سیستم‌های مذکور عمل خواهد کرد و ساختار اقتصادی صنعت انرژی را به چهار بخش عمده‌فروشی تولید، انتقال، خرید عمده و خرده‌فروشی (توزیع) تقسیم می‌نماید.
7. Augusto Pinochet
8. Lewis H. Divguit, "Exxon Buys Mine in Chile," *Washington Post*, January 25, 1978.
9. John Authers, "Chile's Violence Has a Worrisome Message for the World," *Bloomberg*, October 23, 2019.
10. Solarpack Corp. Tecnologica
11. Felicia Jackson, "Chile's Cheap Power—Sign of a Solar Future?," *Forbes*, June 5, 2019.
12. Chile's Largest Metro Network to Be Powered by Solar and Wind," *Climate Action*, June 21, 2017.
13. Sebastián Piñera
14. Chile's President Inks Bill to Cut Electricity Costs Amid Unrest," *Xinhua*, October 26, 2019; Rachele Krygier, "Chile's Protesters Got a Subway Fare Hike Reversed. Now They Want a New Political System," *Washington Post*, October 30, 2019.